

## شرحی بر رسالهٔ هو و صبیقی

جامی

نوشتهٔ حسینعلی ملاح

-۲-

### فصل ۱

جامی در این فصل از رسالهٔ خود، در بارهٔ فاصله‌های مطبوع (متفق یا ملایم) و نامطبوع (متنافر) بحث کرده و نوشته است: «هر دو نغمه (صدا) که با هم ترکیب یابد و از آن بعدی (فاصله‌ای) حاصل شود یا «متفق» خواهد بود یا «متنافر» - متفق، آنستکه: طبع سلیم آنرا مستحسن بدارد و بر استماع آن اقبال نماید، و متنافر، آنکه: طبع سلیم آن را مکروه دارد و استماع آن بر وی گران آید».

پس فواصل را عیناً همانطور که در کتاب «الادوار صفی الدین عبدال مؤمن ارموی» آمده است نقل کرده است.

---

۱ - صفحه B ۴۴۰ سطر اول رساله.

۱- ذی الکل	فاصله : هنگام یا اکتاو
۲- ذی الاربع	فاصله : چهارم
۳- طنینی	فاصله : دوم بزرگ
۴- مجنب <sup>۱</sup>	فاصله : دوم نیم بزرگ یا دوم بیش بزرگ
۵- بقیه <sup>۲</sup> یا فضله	فاصله : دوم کوچک یا دوم نیم کوچک
۶- ذی الکل مرتین	فاصله : پانزدهم (دوهنگام)
۷- ذی الکل والخمس	فاصله : دوازدهم
۸- ذی الکل والاربع	فاصله : یازدهم

فواصل ذیل را ابعاد مطبوع نامیده است :

«بعد ذی الکل و بعد ذی الخمس و بعد ذی الاربع که اینها متفق اند به اتفاق اول (فواصل مطبوع گروه نخستین) و بعد ذی الکل مرتین و بعد ذی الکل و الخمس و بعد ذی الکل والاربع که اینها متفق اند به اتفاق ثانی (فواصل مطبوع گروه دوم) و سه دیگر : بعد طنینی و بعد مجنب و بعد بقیه ...»  
بدنبال همین مطلب تعداد فواصل هر يك از این ابعاد را چنانکه ذیلانقل میشود معین کرده است:

«... بعد ذی الکل مرتین طرفین آن مشتمل است بر ابعاد تسعه<sup>۳</sup> - و بعد ذی الکل والخمس بر هشت<sup>۴</sup> بعد - و بعد ذی الکل والاربع بر هفت<sup>۵</sup> - و بعد

۱ - مجنب فاصله دومی است که یکی از نوتهای آن علامت ربع پرده گرفته باشد ..

۲ - بقیه فاصله دومی است که به آن در قدیم «لین» می گفتند .

۳ - ذی الکل مرتین که پانزدهم درست است از چهارده فاصله یا چهارده بعد تشکیل میشود بنابراین تسع که نه است نادرست است .

۴ - ذی الکل والخمس که دوازدهم درست است از یازده فاصله تشکیل میشود نه هشت بعد .

۵ - ذی الکل والاربع که یازدهم درست است از ده فاصله تشکیل میشود نه هفت بعد .



ذی‌الکل ، برش - و بعد ذی‌الخمس بر پنج<sup>۱</sup> - و بعد ذی‌الاربع بر چهار<sup>۲</sup> -  
 و وجه تسمیه این دو بعد به ذی‌الخمس و ذی‌الاربع ، اشتمال ایشانست بر پنج  
 بعد<sup>۳</sup> و چهار بعد<sup>۴</sup> - و بعد طنینی مشتمل است<sup>۵</sup> بر سه بعد ، و بعد مجنب بر دو<sup>۶</sup>  
 بعد ، بقیه بر یکی و آن اصغرابعاد است.<sup>۷</sup>

## فصل<sup>۸</sup>

«اشرف ابعاد تسعه (نه گانه) بعد ذی‌الکل است ، زیرا که شرف بعد ،  
 به اعتبار زیادتی التذاذ نفس است به آن ، و نفس از استماع هیچ بعدی چنان  
 ملتذ نگردد که از بعد ذی‌الکل.»

سپس انواع ذی‌الاربع را بدست میدهد و علامات اختصاری فاصله‌های  
 دوم بزرگ و دوم کوچک و دوم نیم بزرگ را بوجه ذیل معرفی مینماید :  
 «... از بعد طنینی به «ط» - و از بعد مجنب به «ج»<sup>۱</sup> - و از بعد بقیه  
 به «ب» تعبیر کرده خواهد شد .»

- ۱ - ذی‌الخمس که پنجم درست است از چهار فاصله تشکیل می‌شود، نه  
 پنج بعد .
  - ۲ - ذی‌الاربع که چهارم درست است از سه فاصله تشکیل می‌شود نه  
 چهار بعد .
  - ۳ - ۴ - اگر بجای «بعد» کلمه «نغمه» نهاده میشد درست‌تر بود یعنی نوشته  
 میشد : اشتمال ایشانست بر پنج نغمه و چهار بعد و چهار نغمه و سه بعد .
  - ۵ - طنینی که دوم بزرگ است از يك فاصله تشکیل میشود نه سه بعد.
  - ۶ - مجنب که دوم نیم بزرگ یا دوم بیش بزرگ است از يك فاصله تشکیل  
 میشود نه دو بعد - چنانچه بجای «بعد» «نغمه» نوشته میشد درست‌تر بود.
  - ۷ - این نادرستی‌ها در متن رساله کمتر دیده میشود و تقریباً همه‌جا بهمان  
 نحو که ابعاد با معادل آنها بدست داده شده است موافق می‌آید .
  - ۸ - سطر ششم صفحه ۴۴۱A رساله .
  - ۹ - در رساله «و» نوشته شده که نادرست است زیرا در متن رساله همه‌جا  
 «ج» معرف فاصله مجنب آمده است .
- در صفحه بیست و هفتم ترجمه روسی نیز «ج» ثبت شده است .

## انواع فواصل ذی الاربع :

دوم اول: ط - ط - ب = نغماتش: ۱ - ۱ - ۲ - ح، که به رسم الخط

امروزی موسیقی ایرانی چنین میشود:



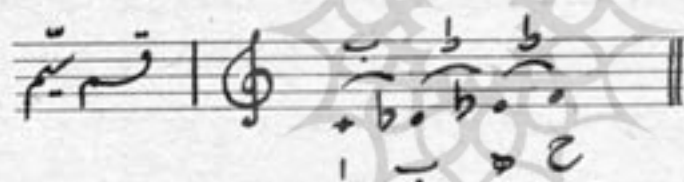
دوم دوم: ط - ب - ط نغماتش: ۱ - د - ۵ - ح، که به رسم الخط

امروزی موسیقی ایرانی چنین میشود:



دوم سیم: ب - ط - ط نغماتش: ۱ - ب - ۵ - ح، که به رسم الخط

امروزی چنین میشود:



دوم چهارم: ط - ج - ج - ۴ نغماتش: ۱ - د - و - ح، که به رسم الخط

۱ - در رساله «بر» نوشته شده و در ترجمه روسی «د» که دومی درست تر

است .

۲ - در رساله «ر» نوشته شده و در ترجمه روسی «ز» که دومی درست تر

است .

۳ - ۴ - در ترجمه روسی بجای «ج» که علامت اختصاری مجنب است «د»

نوشته شده که نادرست است .

لازم است توضیح داده شود که در خود رساله هم در اکثر موارد بجای «ج»

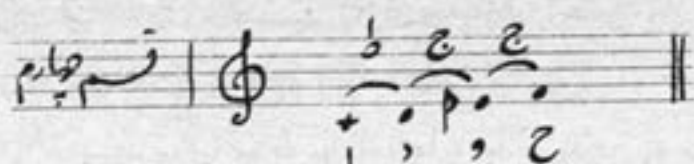
«د» ثبت شده است و ما هر جا به این نادرستی برخوردیم درست آن را اختیار کرده ایم

کما اینکه مترجمان روسی نیز در صفحه بیست و هفتم بجای «د» که در رساله آمده

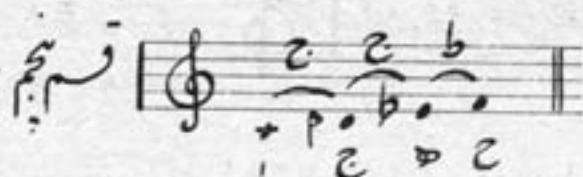
است «ج» نهاده اند .



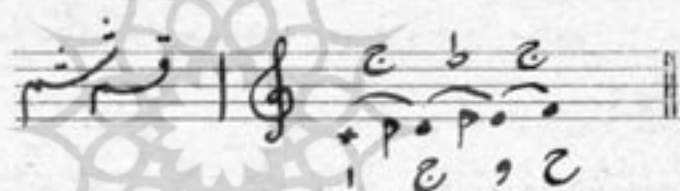
امروزی موسیقی ایرانی چنین میشود:



«قسم پنجم: ج<sup>۱</sup> - ج<sup>۲</sup> - ط - نغماتش: ا - ج<sup>۲</sup> - ه - ح» که به رسم الخط  
امروزی موسیقی ایرانی چنین میشود :



«قسم ششم: ج<sup>۴</sup> - ط - ج - نغماتش: ا - ج<sup>۵</sup> - و - ح» که به رسم الخط  
امروزی موسیقی ایرانی چنین میشود:



«قسم هفتم: ج - ج - ج<sup>۶</sup> - ب - نغماتش: ا - ج - ه - ز - ح - پوشیده  
نماند که نغمات ماعدای اخیر چهار است ، پس میباشد که بعد ذی الاربع را

*ژوئیه گادسوم انسانی و مطالعات فرنگی*

- ۱-۲ - در ترجمه روسی: د - د - ط ثبت شده که نادرست است.
- ۳ - در رساله: ا - ه - و - ج ثبت شده که با ابعادی که بدست داده است مطابقت نمی کند - در ترجمه روسی: ا - ج - ه - ح ثبت شده که درست است.
- ۴ - در ترجمه روسی: د - ط - د نوشته شده که نادرست است .
- ۵ - در رساله: ا - ه - و - ح نوشته شده که با ابعادی که بدست داده است مطابقت نمی کند .

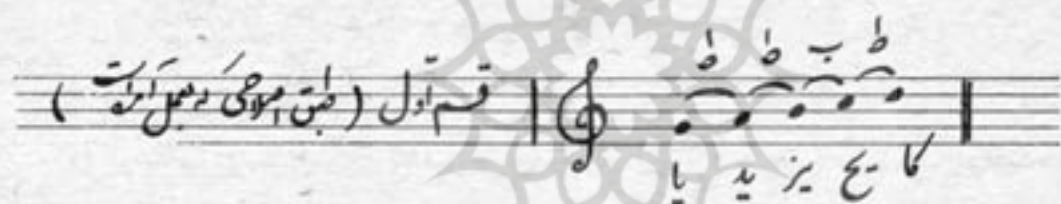
در ترجمه روسی: ا - ج - و - ح نوشته شده که درست تر است.

- ۶ - در رساله: د - د - د - ب و در ترجمه روسی هم بهمین نحو نوشته شده است - همانطور که تذکار شد مراد از «د» - «ج» است زیرا حرف دال مطلقاً بی معناست .

ذی‌الاربع از برای آن گویند که اکثر اقسام آن مشتمل بر چهار نغمه است،  
 بدنبال این بخش اقسام ذی‌الخمس را (از درجه پنجم و احتمالاً از درجه چهارم  
 گام یعنی از «یا» (که سل است) یا «ح» (که فا است) ثبت کرده است :  
 «قسم اول : ط - ط - ب - ط - نغماتها : یا - ید - یه - یح» که به  
 رسم الخط امروزی موسیقی ایرانی چنین میشود :



همانطور که ملاحظه می‌کنید از نام صداها و تعداد آنها فواصلی را که  
 صاحب رساله بدست داده است (یعنی : ط - ط - ب - ط که معرف يك فاصله  
 پنجم است) استخراج نمی‌شود. مگر اینکه نام نغمات را بوجه زیر اصلاح کنیم:  
 «یا - ید - یز - یح - کا» که برسم الخط موسیقی چنین میشود :



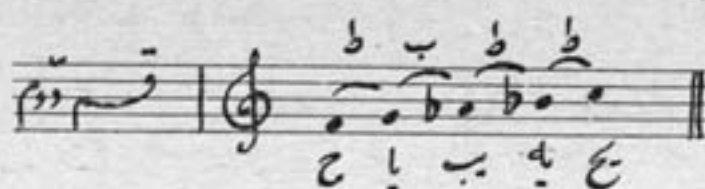
«قسم دوم : ط - ب - ط - ط - نغماتها : ح - یا - یب<sup>۲</sup> - یه - یح»  
 که برسم الخط امروزی موسیقی چنین میشود :

۱ - همانطور که ملاحظه می‌کنید مجموع این ابعاد و نغمات با ذی‌الاربع  
 مطابقت ندارد توضیحی هم که صاحب رساله داده است بی‌بنیاد است زیرا با آنچه تا  
 قسم پنجم ثبت کرده است مغایرت پیدا میکند، مگر اینکه این اصوات را به دو نوع  
 تحریر نمائیم :

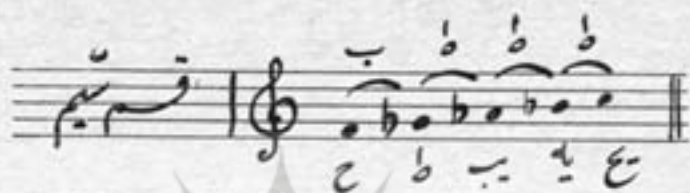
یکی : ا - ج - ز - ح - یکی دیگر : ا - ه - ز - ح هویدا نیست که از چه  
 زمانی این سهو در رساله‌های موسیقی راه یافته است زیرا در چند رساله دیگر هم دیده  
 شده است .

۲ - در ترجمه روسی «ید» نوشته شده که نادرست است .

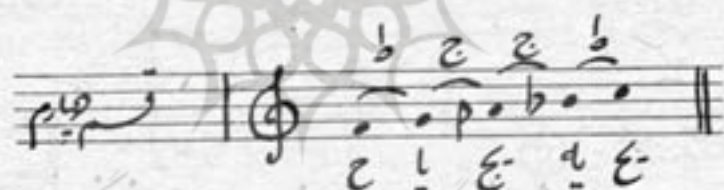




«قسم سیم: ب-ط-ط-ط-ط - نغمات‌ها: ح-ط-بب-ید-یح» چنانچه  
 نغمه «ید» را «یه» فرض کنیم ذی‌الخمس، مطابق با ابی‌مادی که صاحب رساله بدست  
 داده است استخراج میشود و در غیر این صورت مطابقت پیدا نمی‌کند - بهر تقدیر  
 بادر نظر گرفتن «یه» بجای «ید» برسم‌الخط امروزی موسیقی چنین میشود:



«قسم چهارم: ط-ج<sup>۱</sup>-ج<sup>۲</sup>-ط-ط - نغمات‌ها: ح-یا-یح<sup>۲</sup>-یه-یح»  
 که برسم‌الخط امروزی موسیقی ایرانی چنین میشود:



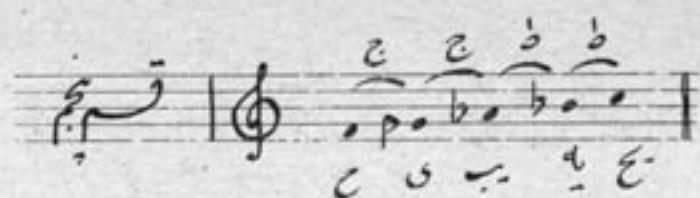
«قسم پنجم: ج<sup>۴</sup>-ج<sup>۵</sup>-ط-ط-ط - نغمات‌ها: ح-ی-یب-یه-یح<sup>۶</sup>»  
 که برسم‌الخط امروزی موسیقی ایرانی چنین میشود:

۱-۲ - در رساله «د» ثبت شده که نادرست است مترجمان روسی نیز همین  
 سه‌ورا کرده‌اند .

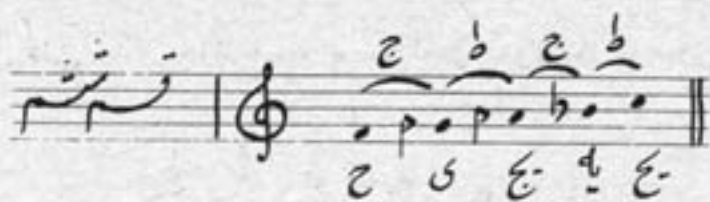
۳ - در رساله «یح» ثبت شده که نادرست است و صحیح آن «یح» است .

۴-۵ - در رساله و در متن روسی «د» ثبت شده که نادرست است .

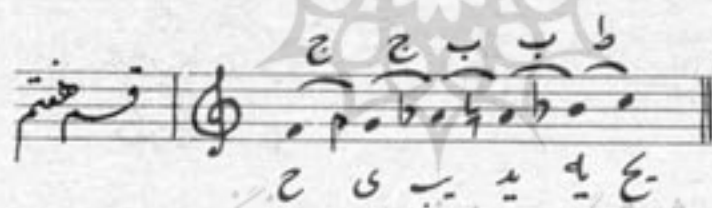
۶ - در رساله و در متن روسی تمام نغماتی که نقطه دارند بی‌نقطه ثبت  
 شده‌اند .



دوم ششم : ج<sup>۱</sup> - ط - ج<sup>۲</sup> - ط - نغماتها : ح - ی - بیج<sup>۱</sup> - یه<sup>۴</sup> - بیج<sup>۵</sup> .  
 که برسم الخط موسیقی ایرانی چنین می شود :



از اینجا به بعد ، تعداد نوتها از پنج صدا به شش صدا افزایش می یابد.  
 دهم هفتم : ج<sup>۶</sup> - ج<sup>۷</sup> - ج<sup>۸</sup> - ب - ط - نغماتها : ح - ی - بیب - ید - یه<sup>۶</sup> .  
 طبق آنچه که صاحب رساله بدست داده است برسم الخط امروزی موسیقی ایرانی چنین میشود :



چنانکه ملاحظه میشود نغمه هائی که صاحب رساله بدست داده است عملاً با ابعاد ثبت شده مطابقت پیدا نمی کند مگر اینکه قبول کنیم که ابعاد نادرست ثبت شده و درست آن از اینقرار است :  
 ج - ج - ب - ب - ط .

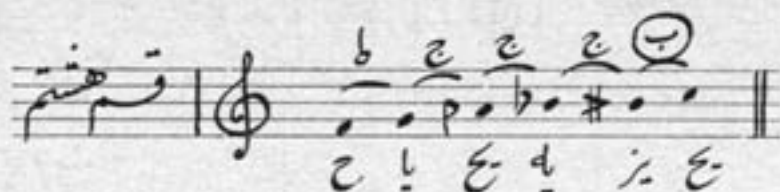
- ۱-۲- در رساله و در متن روسی «د» ثبت شده که نادرست است.  
 ۳-۴-۵- در رساله و متن روسی بی نقطه ثبت شده - «بیج» در متن روسی «بیج» چاپ شده است .  
 ۶-۷-۸- در متن روسی «د» ثبت شده که نادرست است .



«قسم هشتم : ط - ج<sup>۱</sup> - ج<sup>۲</sup> - ج<sup>۳</sup> - ب - نغماتها : ح - یا - یج - یه -

یز - یج».

که برسم الخط امروزی موسیقی ایرانی چنین میشود:

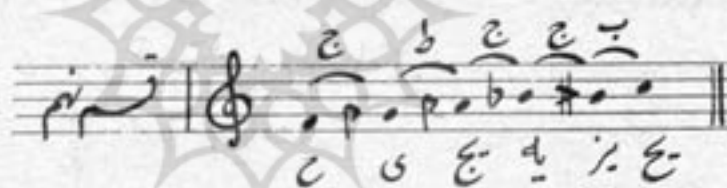


توضیح : فاصله «سی سری Sori» تا «دوبکار» از بقیه اندکی به اندازه دو کوما Coma و چند ساوار Savar کوچکتر است - این فاصله را در قدیم «فضله» می گفتند گویا محض اجتناب از کثرت علامات همان حرف «ب» را برای این فاصله هم اختیار کرده اند .

«قسم نهم : ج<sup>۴</sup> - ط - ج<sup>۵</sup> - ج<sup>۶</sup> - ب - نغماتها : ح - ی - یج - یه - یز<sup>۸</sup> -

یج<sup>۹</sup>».

که برسم الخط امروزی موسیقی ایرانی چنین میشود:



«قسم دهم : ج - ب - ط - ج - ج - نغماتها : ح - ی - یا - یه<sup>۱۰</sup> - یو - یج<sup>۱۱</sup>»

۱-۲-۳- در رساله و در متن روسی «د» ثبت شده که نادرست است.

۴- در رساله «بر» (بی نقطه) ثبت شده است .

۵-۶-۷- در رساله و در متن روسی «د» ثبت شده که نادرست است.

۸- یج همه جا بصورت ج نوشته شده است .

۹- در رساله «بر» نوشته شده که مراد «یز» است .

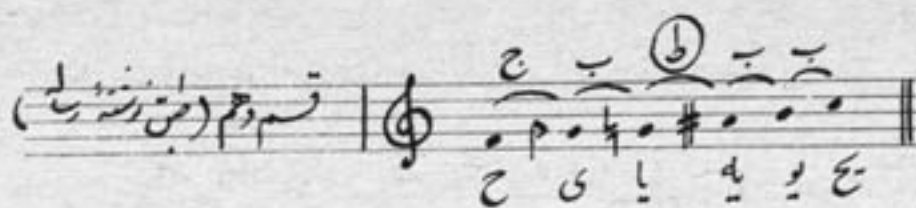
۱۰- تمام نغمات که نقطه دارند در رساله و در متن روسی بی نقطه ثبت

شده اند .

۱۱- در متن روسی بجای «یه» «ید» ثبت شده است که نادرست است.

۱۲- تمام نغمات که نقطه دارند در رساله بی نقطه ثبت شده اند .

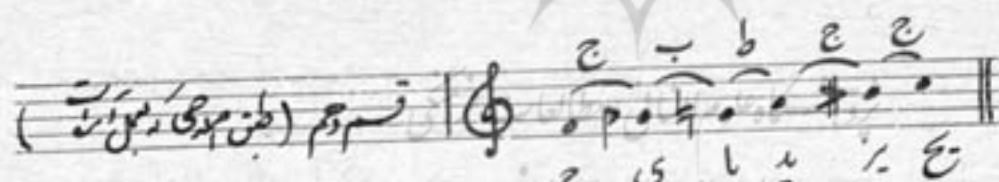
که برسم الخط امروزی موسیقی ایرانی چنین میشود:



توضیح :

- ۱- چنانکه ملاحظه میشود طبق نغماتی که بدست داده شده ابعاد بصورت ج - ب - ط - ب - ب استخراج شده است که بامتن رساله مابینت دارد.
- ۲- فاصله میان نوت سوم و چهارم دوم افزوده است (یعنی چند کوما بیشتر از طنینی است) بنا بر این باید قبول کرد که در قدیم فاصله دوم افزوده را نیز جزو فواصل طنینی بشمار می آوردند.

- ۳- چنانچه مقید باشیم که ابعاد ثبت شده در رساله را معتبر بدانیم ناگزیر باید بجای نغمه «یو» «یز» (یعنی سی سری Sori) اختیار شود.
- ۴- اگر نغمه «یو» تبدیل به «یز» گردد - می توان نغمه «یه» را نیز مطابق آنچه در متن روسی آمده است «یده» اختیار کرد - با توضیحات بالا برسم الخط امروزی موسیقی چنین میشود:

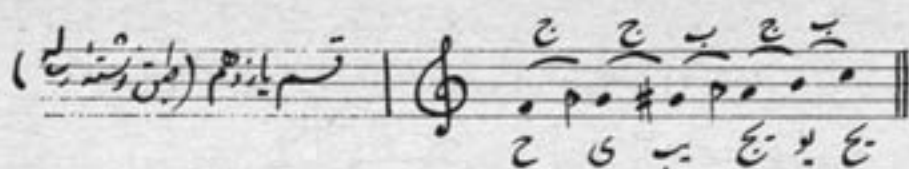


دستم یازدهم : ج<sup>۱</sup> - ج<sup>۲</sup> - ب<sup>۲</sup> - ط<sup>۴</sup> - ج<sup>۰</sup> . نغماتها : ح - ی - یب - یج - یو - یج<sup>۶</sup> .

- ۱-۲-۵ در رساله و در متن روسی بجای (ج) - «د» ثبت شده است .
- ۳-۴ در رساله بصورت «ب» ثبت شده است - ترتیبی که انتخاب شده بر بنیاد ترتیبی است که مترجمان روسی اختیار کرده اند .
- ۶ - کلیه نغماتی که نقطه دارند در رساله و متن روسی بی نقطه ثبت شده اند.



برسم الخط امروزه موسیقی ایرانی چنین میشود:



توضیح :

۱- چنانکه ملاحظه میشود ابعاد با آنچه که در رساله ثبت شده است مطابقت ندارد.

۲- چنانچه «لاکرون Koron» تا «سی بکار» یعنی درجات چهارم و پنجم

ط

را طبق رسم الخط کاتب رساله «ب» بنویسیم و بقیه طنینی با هم بشمار آوریم باز هم فاصله آخری مجنب بدست نمی آید.

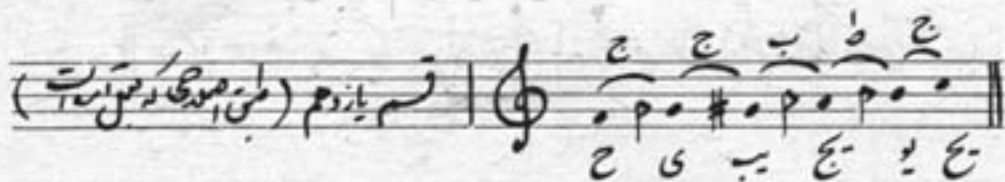
۳- اگر طنینی را قبل از بقیه بنویسیم (یعنی بصورت : ج-ج - ط - ب-ج) ضرورت پیدا می کند که نام نغمات را دیگرگون سازیم که مطلقاً مصلحت نیست .

۴- بنا بر این می باید قبول کرد که:

الف : بقیه قبل از طنینی باید قرار بگیرد.

ب: برای اینکه همان ابعادی که صاحب رساله بدست داده است استخراج شود باید نغمه «یو» را «سی کرون Koron» بحساب آورد در این صورت برسم الخط

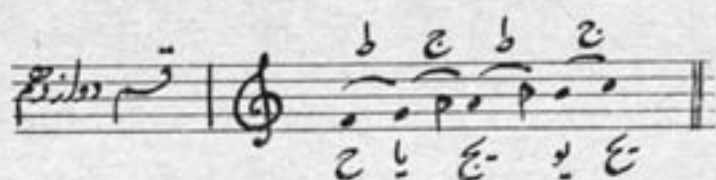
امروزه موسیقی ایرانی چنین میشود: جامع علوم انسانی



۱- نکته ای که در اینجا تازگی دارد اینست که ، نغمه «یو» گاه اوقات بجای سی کرون می نشیند . تشخیص این موضوع و تعیین قطعی معادل آن برسم الخط امروزه موسیقی ایرانی از روی ابعادی که بدست داده میشود میسر میگردد . کما اینکه در قسم یازدهم و همچنین در قسم دوازدهم و سیزدهم بجای «سی بکار» «سی کرون» فرض شده است .

دو قسم دوازدهم: ط - ج<sup>۱</sup> - ط - ج<sup>۲</sup> - نغماتها: ح - یا - یج - یو<sup>۲</sup> - یج<sup>۴</sup>.

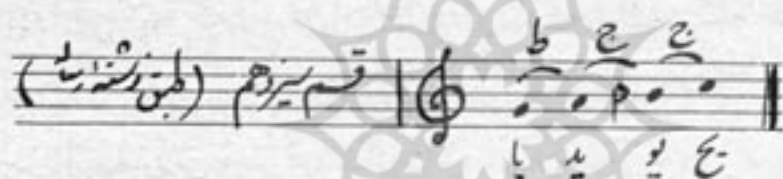
که برسم الخط امروزی موسیقی ایرانی چنین میشود:



دو قسم سیزدهم: ط - ط - ج<sup>۰</sup> - ج<sup>۱</sup> - نغماتها: یا - ید - یو - یج<sup>۷</sup>.  
توضیح:

۱- همانطور که مشاهده میشود تعداد نغمات چهار عدد است که می‌باید پنج عدد باشد.

۲- اگر بخواهیم طبق آنچه که در رساله ثبت شده است برسم الخط امروزی موسیقی بنویسیم و «یو» را نیز «سی کرن» تصور کنیم چنین می‌شود:



۳- هویدا است که کاتب نغمه «ح» را از قلم انداخته است زیرا در متن روسی نغمات چنین ثبت شده است: ح - یا - ید - یو - یج.

۴- بنا بر این، قسم سیزدهم بخط امروزی موسیقی ایرانی چنین میشود:



۱-۲- در رساله و متن روسی بجای «ج» «د» ثبت شده که نادرست است.

۳- «یو» بجای «سی کرن» اختیار شده است.

۴- تمام نغماتی که نقطه دارند در رساله و متن روسی بی نقطه ثبت شده‌اند.

۵-۶- در رساله و متن روسی بجای (ج) (د) ثبت شده که نادرست است.

۷- تمام نغماتی که نقطه دارند در رساله و متن روسی بی نقطه ثبت شده‌اند.



\*\*\* و در دنباله این قسمت نوشته شده است:

«... اینست جمیع اقسام طبقتین ، و پوشیده نماند که نغمتین «ا» «ح» (Fa - Do) در جمیع اقسام طبقه اولی موجود است - و نغمه «یه» (سی بمل یا لادیز) در نه قسم از اقسام طبقه ثانیه نیز موجود است و بدین سبب چهار نغمه:

ا - ح - یه<sup>۱</sup> - یح (دو - فا - لادیز - دو) را ثوابت خوانند از جهة ثبات ایشان در همه<sup>۲</sup> یاد را کثر - و باقی نعمات را متبدلات گفته اند.»

\*\*\*

## فصل ۲

«جموع حاصله از اضافه اقسام طبقه اولی آنست که : طرف احد اقسام طبقه اولی را طرف اقل اقسام طبقه ثانیه سازند تا صورت تمام «دایره» شود ، و جموع حاصله از این اضافهات را «دوایر» خوانند ، زیرا که ابتدای ایشان از «آ» است (یعنی نوت دو فرضی) و انتهای ایشان به «یح»<sup>۳</sup> (یعنی نوت فرضی دو هنگام) که نظیره «آ» است که گوئیا عین اوست ، پس چنانچه نقطه آخرین دایره منطبق است بر نقطه اولین وی ، اینجا نیز نغمه اولین موافق است با نغمه آخرین ، پس مثل دایره باشد - پس دایره اولی حاصل است : از اضافه قسم اول از طبقه ثانیه بر قسم اول از طبقه اولی - و دایره ثلثه حاصل : از اضافه قسم ثانی از طبقه ثانیه بر قسم اول از طبقه اولی - و دایره ثلثه حاصل : از اضافه قسم ثالث از طبقه ثانیه بر قسم اول از طبقه اولی -

و برین دستور باقی اقسام سیزده گانه<sup>۴</sup> طبقه ثانیه را بر قسم اول طبقه اول اضافه کنند ، بعد از آن ، بر قسم ثالث تا قسم سابع - پس مجموع آن نود و یک دایره شود که تفصیل آن بتأمل ظاهر میگردد و احتیاج بوضع جداول و دوایر

۱ - چنانچه نغمه «یه» را «ید» تصور کنیم آری «دو - فا - لا - دو» بدست خواهد آمد .

۲ - صفحه ۴۴۱ B - سطر هفتم رساله .

۳ - در رساله نوشته شده «یه یح» و هویدا است که کاتب «به» را که حرف اضافه است اشتباهاً «یه» نوشته است .





هر يك از آن جنسين في نفسه مقبول افتد، زیرا که [ممکن است<sup>۱</sup>] که از اضافت ایشان هیئتی عارض شود که موجب نفرت طبیعت گردد، و [ممکن است<sup>۲</sup>] که موجب زیادتى ملائمت شود، چنانکه<sup>۳</sup> در دواير دوازده گانه مشهوره هست<sup>۴</sup>، که آنرا مقامات گویند، و چاره نیست از اشارت کردن به این دواير و ابعاد و نعمات هر يك، و تعیین مخارج<sup>۵</sup> آنها از دساتین<sup>۶</sup> آلات ذوات الاوتار<sup>۷</sup> که کاملترین آنها عودست.

## فصل<sup>۸</sup>

«اشرف آلات ذوات الاوتار «عود» را دانسته اند<sup>۹</sup>، و پیش متقدمان اوتار وی چهار بوده است: بم - مثلث (MASLAS) - مثنی (MASNA) - وزیر - و حکیم ابونصر فارابی، بعد از «زیر» يك وتر دیگر بر آن افزوده و آنرا

- ۱ - ۲ - در رساله «می شاید» نوشته شده است از آنجا که اصطلاح «ممکن است» درك جمله را سهل تر میکند آنرا بر گزیدیم.
- ۳ - در رساله چنانچه نوشته شده است.
- ۴ - در رساله «هشت» نوشته شده که نادرست است.
- ۵ - چگونگی قرار گرفتن انگشتان نوازنده روی دسته ساز و استخراج صداها را مخارج می گفتند.
- ۶ - پرده هائی را که بر روی دسته سازهای زهی می بندند در قدیم دستان می نامیدند.
- ۷ - سازهای زهی را در قدیم ذوات الاوتار می گفتند یعنی سازهائی که بنیاد آنها بر وترها یا تارها نهاده شده است - این قبیل سازها دو نوع هستند: يك دسته سازهائی است که دسته دارند و استخراج نعمات با انگشت نهادن بر روی سیمها عملی میشود مانند: عود - تار - و سه تار. این نوع سازها را در قدیم ذوات الاوتار مقید میگفتند - گروه دیگر سازهائی است که استخراج نعمات بوسیله سیم های مطلق یادست باز عملی می گردد - به این نوع سازها ذوات الاوتار مطلق میگفته اند مانند: قانون - سنتور و چنگ.
- ۸ - صفحه ۴۴۱B - سطر بیست و سوم.
- ۹ - در رساله داشته اند نوشته شده که نادرست است.

«حاده»<sup>۱</sup> نام نهاده و اصطخاب<sup>۲</sup> ، یعنی ساز کردن آن ، بر انواع می تواند بود ، اما مشهور آنست که مطلق هر وتر زیرین را مساوی سه ربع وتر بالاین او کنند : و دستاها [ی] آنرا بر وتر «ا-م» از «الف» (یعنی نوت Do فرضی) تا «ح»<sup>۳</sup> «یعنی نوت Fa» وضع کنند - «الف» مطلق بم بود (یعنی نوت دست باز سیم بم Do می باشد) و «ب» (Re بمل یا Dol دیز) را زاید گویند و «ج»<sup>۴</sup> (یعنی Re کرن Koron) را مجنب ، و «د» (یعنی Re بکار) را سبابه ، و «ه» (یعنی Si بمل یا Re دیز) را وسطای فرس و «و» (می کرن) را وسطای زلزل ، و «ز»<sup>۵</sup> (می بکار) را بنصر ، و «ح» (فا بکار) را خنصر .

برین صورت :

توضیح : ( به جدول شماره يك مراجعه شود )

پیش از اینکه نادرستی های این پرده بندی و نام گذاری و نام نوتها یا صداها را تذکار کنم ضرورت دارد مطلبی را که در دنباله همین جدول صاحب رساله نوشته است نقل کنم :

«... و تر «ح-م» که مطلق مثلث است اگر چه در مقدار مساوی مطلق بم است اما در کیفیت حدت و ثقل مساوی «ح-م» بم است که ثلثه ارباع اوست (یعنی يك چهارم زیر تر از سیم بم است) و بهمین دستور وتر «یه-م» (درست توجه کنید سیم سوم در جدول - با حروف «ح-م» مشخص شده ولی در اینجا «یه-م» = که البته وجه اخیر درست است) که مطلق مثنی است ، مساوی «یه-م» مثلث است که ثلثه ارباع اوست (یعنی سیم مثنی يك چهارم زیر تر از سیم مثلث كوك میشده است) ،

۱ - در رساله حاذ نوشته شده که نادرست است .

۲ - اصطخاب بمعنای كوك کردن سیم های ساز است ، در رساله اصطحات نوشته شده که نادرست است .

۳ - در رساله «ج» ثبت شده که نادرست است .

۴ - در رساله «ج» ثبت شده است که مراد همان «ج» است ، این حرف در اکثر موارد بصورت «د» نوشته شده و همین سهو موجب گشته است که مترجمان روسی نیز آنرا بصورت «د» ثبت نمایند .

۵ - در رساله «ر» ثبت شده است که نادرست است .





و دکب م، (سیم زیر درجدول - باحروف «ی-م» مشخص شده ولی در اینجا «کبم» که البته وجه اخیر درست است) مطلق وتر زیر است، مساوی «کبم» است که ثلثه ارباع مثنی است، و «کط - که» (این نیز می باید «کط - م» باشد زیرا سایر سیم ها نیز به همین نحو مشخص شده اند و مراد از حرف (م) قسمت مشط ساز یعنی آنجا که سیم به خرك ساز متصل میشود میباشد) مطلق وتر حاد است مساوی «کط - م» است که ثلثه ارباع زیر است.

توضیح :

۱ - اولاً سیم های عود را بفاصله چهارم با یکدیگر کوک می کرده اند به ترتیب زیر :

سیم بم : (دو) کوک میشده و یک دانه روی آن اجرا می گشته است ، یعنی از «ح-تا-یه» دو تا فا).

سیم مثلث : (فا) کوک میشده و یک دانه روی آن اجرا می گشته است ، یعنی از «ح-تا-یه» (فا تا سی بمل).

سیم مثنی : (سی بمل) کوک میشده و یک دانه روی آن اجرا می گشته است یعنی از «یه تا کب» (سی بمل تا می بمل).

سیم زیر : (می بمل) کوک میشده و یک دانه روی آن اجرا می گشته است یعنی از «کب تا کط» (می بمل تا لا بمل).

سیم حاد : «لا بمل» کوک میشده و یک دانه روی آن اجرا می گشته است یعنی از «کط تا لو» (لا بمل تا ربمل).

۲ - ثانیاً انگشت گذاری یا پرده بندی روی دسته ساز بر بنیاد نام های چهار انگشت دست چپ نوازنده عملی میشده است - این دستان نشانی و نام گذاری طبق آنچه که این سینا معمول کرده بوجه ذیل است : مطلق - زاید اول - زاید دوم (که مجنب هم میگفتند) - سبابه - وسطی اول - وسطی دوم - یا وسطی فرس (که به وسطای ایرانی و وسطای زلز نیز نامگذاری شده است) - پنصر - خنصر.

صفی الدین عبدالمومن ارموی نیز عین همین نام گذاری را برای پرده های



عود اختیار کرده و بجای زاید اول و زاید دوم و وسطی دوم بنحویذیل نام گذاری کرده است .

مطلق - زاید - مجنب - سبا به - وسطای فرس - وسطای زلز - بنصر -  
خنصر . باین ترتیب ملاحظه می کنید که مؤلف رساله در ترتیب نام دستا نهاد چار  
سهوشده است زیرا وی به نحو ذیل دستا نها را نام گذاری کرده است .  
مطلق - زاید - مجنب - وسطی فرس - سبا به - وسطی زلز - بنصر -  
خنصر .

که می باید سبا به قبل از وسطی فرس قرار بگیرد .  
۳- ثالثاً اشتباهاتی در نام نعمات یا (نوتها) مشاهده میشود که برخی از  
آنها را با اعدادی که روی شان گذاشته ام مشخص کرده ام - محض اینکه صورت  
عاری از نقسی ارائه شود جدول صفحه بعد را تقدیم میدارم :



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

